

## خلیج فارس نامی به قدمت تاریخ

در ادامه سلسله مباحث اتاق فکر که هر سه‌شنبه در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی برگزار می‌شود آقای محمد عجم از کارشناسان وزارت امور خارجه در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۸ به بحث و بررسی در رابطه با موضوع فوق پرداخت.

- دفاع از نام کهن خلیج فارس حق قانونی است**
- نام‌های تاریخی بار سیاسی، فرهنگی، علمی، ارزشی، هنری، ادبی، اجتماعی و حقوقی و حتی حاکمیتی دارند. هدف اولیه تغییردهندگان نام سه هزار ساله خلیج فارس به چالش کشیدن حاکمیت، حضور و هویت ایرانی در خلیج فارس بوده است. از فیثاغورث ( قرن سوم قبل از میلاد) تا ۱۹۵۷ در تمام زبان‌های دنیا یگانه نام برای خلیج فارس همان نام اصیل و تاریخی خلیج فارس و یا معادل‌های آن بوده است.
- از آنجا که توصیف بحر فارس و خلیج فارس در ۳۰۰ کتاب کهن جغرافیایی عربی و ده‌ها نقشه کهن عربی و در حداقل ۱۵ کتاب تفسیر قرآن به زبان عربی و صدها سند و نقشه غیر عربی وجود دارد این اصطلاح به یک میراث عربی اسلامی و حتی جهانی تبدیل شده است.
- در چهار دهه گذشته، مقالات و کتاب‌هایی که در دفاع از تغییر نام خلیج فارس در کشورهای تازه تأسیس، منتشر شده، بر ۵ ادعای سخیف زیر استوار بوده است:
۱. در سال ۱۷۶۲ کارستن نیبور نوشته‌است: ساکنان سواحل خلیج فارس، فارس نیستند (تابع دولت ایران نیستند)
  ۲. رودریک اوون نام خلیج عربی را منطقی و به ادب نزدیک‌تر از خلیج فارس دانسته است.
  ۳. ایرانی‌ها به خاطر تعصب فارسی آبراه را خلیج فارس می‌نامند. در حالی که ایرانی‌ها سابقه حضور در دریا و سابقه دریانوردی ندارند.
  ۴. پلینی مورخ رومی قرن اول، خلیج فارس را خلیج عربی نامیده بنابراین خلیج عربی از قدیم رایج بوده است.
  ۵. کشورهای عربی و جمعیت عربی ساحل این دریا بیشتر از فارس‌ها (ایرانی‌ها) هستند. این دریا هویت عربی دارد و اصطلاح خلیج فارس را صهیونیست‌ها برای ضدیت با اعراب توسعه داده‌اند. به گفته پرفسور هادی التازی حتی به فرض که این ادعاها درست باشد باز این دلیلی نیست که یک نام تاریخی را تغییر دهیم."

مشترک یک اطلس نقشه‌های کهن را منتشر نمودند و یک سمینار نیز در اثبات این نام در اسناد و کتب عربی برگزار نمودند که برد آن فقط در یک سطح محدود زمانی بود.

بعد از انقلاب اسلامی نیز حتی با اینکه اوج حملات رسانه‌ای عربی علیه ایران بود و همه مرتجعین عرب مشوق و پشتیبان قادسیه صدام بودند، مقامات ایرانی از انجام هر اقدام حساسیت‌زایی در خصوص نام خلیج فارس شدیداً پرهیز می‌کردند.

#### حساسیت‌های ایرانی چگونه و از کجا آغاز شد؟

اما حساسیت‌ها از آنجا شروع شد که رسانه‌های کشورهای عربی در بخش‌های زبان‌های غیرعربی مانند انگلیسی که بازتاب جهانی نیز پیدا می‌کردند برخلاف عرف رایج بین‌المللی نام خلیج فارس را در زبان‌های دیگر نیز تبلیغ می‌کردند و مقاله‌هایی با نام خلیج عربی در مجلات آمریکا و اروپا نیز منتشر می‌شد که منبع و مأخذ آنها رسانه‌های گروهی عربی بود. در حالی که عرب‌ها بسیاری از نام‌های جغرافیایی عربی را در زبان‌های غیرعربی متناسب با آن زبان بیان می‌کنند مانند: در عربی مصر، اردن، المغرب، در انگلیسی: اجپت، جردن، موراکو و .... حتی ترکیه که از نام خلیج فارس با نام خلیج بصره یاد می‌کند از آنجا که در جهت جهانی کردن این نام اقدامات تحریک‌برانگیز و تبلیغ نمی‌کند و آن را فقط در رسانه‌های ترک زبان خود به کار می‌برد و در اسناد تاریخی و سایر زبان‌ها همان خلیج فارس را به کار می‌برد لذا ایرانیان ضمن سکوت عکس‌العملی به این کاربرد غلط (اطلاق جزء بر کل) نداشته‌اند. خلیج بصره یکی از ۱۲ خلیج کوچک داخل در خلیج بزرگ فارس است که در اسناد فارسی نیز با نام خور و خلیج از آنها یاد شده است.

براساس تحقیقات انجام‌شده در سال ۱۳۸۰ در مطبوعات عربی در کتابخانه‌های مصر (توسط نگارنده) به طور یقین تا اواخر دهه ۵۰ قرن گذشته در تمام رسانه‌ها و مکتوبات عربی همه جا الخلیج الفارسی بکار رفته است. برای اولین بار مجله العربی (کویت) ۱۹۵۸ در شماره دوم خود با استناد به کتاب حباب‌های طلایی خلیج عربی رودریک اوون یهودی کارگزار بریتانیا در خلیج فارس خواستار تغییر نام خلیج فارس شده بود. اتحادیه عرب در تاریخ ۱۳ اوت ۱۹۶۳ و حقوقدانان عرب نیز در ۱۱ دسامبر ۱۹۶۴ تغییر نام را تصویب کرده بودند، اما از آنجا که روزنامه‌ها و مجلات عربی مستقل و حتی رادیو قاهره و نشریات الاهرام همچنان عبارت تاریخی خلیج فارس را بکار می‌بردند لذا نژادگرایان در یک ترفند عوام‌فریب پس از شکست جنگ ۱۹۶۷، خلیج فارس را اصطلاحی صهیونیستی نامیدند. (روزنامه عربی التجدید ۲ دسامبر ۲۰۰۵ خلیج فارس را میراث عربی اسلامی دانسته است) برخلاف اتهامات بعضی رسانه‌های گروهی عربی، ایرانیان قوم‌گرایی را به کلی مردود می‌دانند و تعصب فارسی یک توهم بی پایه و اساس و اتهام بی مورد است زیرا ایران از کهن‌ترین زمان‌ها سرزمین اقوام متعدد بوده و این اقوام در تمدن منطقه تأثیر شگرفی داشته‌اند. حساسیت در مقابل تغییر نام خلیج فارس قبل از انقلاب اسلامی (عرب‌ها آن دوره را تعصب فارسی و باستان‌گرایی می‌دانند) فقط در سطح عده‌ای اندک وجود داشت. در تاریخ ۱۷ دی‌ماه ۱۳۵۴ به دنبال اقدامات تحریک‌برانگیز مانند تأسیس خبرگزاری خلیج عربی برای اولین بار ایران واکنش نشان داد. وزارت اطلاعات و جهانگردی یک کتاب که مطالب ۳۲ کتاب کهن عربی را در توصیف بحر فارس بیان می‌کرد و وزارت خارجه و مؤسسه سحاب نیز به طور

اما عرب‌ها با اقدامات تحریک‌آمیز خود خشم ایرانیان را برانگیختند. گزارش‌های نگران‌کننده از وضعیت تخریب نام خلیج فارس حتی در کتاب‌ها، نقشه‌ها و اطلس‌های غیرعربی که ویژه جهان عرب بود چاپ شده و حتی تخریب اسناد و کتاب‌ها و نقشه‌های کهنی که نام خلیج فارس را داشتند (مانند چاپ جدید اطلس مقدس، سفرنامه ابن بطوطه و نقشه ادیسی و...) برخلاف اصول حق مالکیت معنوی و کنوانسیون‌های مربوطه در چاپ‌های جدید تحریف و به خلیج عربی تبدیل می‌شدند و حتی سازمان‌های کارتوگرافی عربی با انعقاد قراردادهایی با هم‌تایان خود در سایر کشورهای غربی قرارداد همکاری منعقد و آنها را با دادن کمک‌های هنگفت تطمیع کردند تا نام خلیج عربی را در کنار خلیج فارس در نقشه‌های خود ثبت کنند که اطلس نشنال جئوگرافی یک نمونه آن بود.

به‌رغم علاقه ایرانیان و اینکه منافع ملی ایران ایجاب می‌کرد نام مازندران به عنوان نام رسمی دریای شمال ایران رسمیت نیافت زیرا از آنجا که پس از مطالعه اسناد، قراردادهای، نقشه‌ها و کتاب‌های تاریخی، اسناد محکم مستند و تاریخی در متون ایرانی و عربی برای دریای مازندران نیافتیم در نتیجه کمیته نام‌گذاری در مقابل این حقیقت تسلیم شد و نام خزر برای زبان فارسی و کاسپین (عربی شده آن قزوین است) برای سایر زبان‌ها (۱۳۸۱) تصویب شد. این تصمیم و همچنین سکوت سی‌ساله ایرانیان در مقابل تحریف‌گران نشان دهنده عدم تعصب قوم‌گرایانه ایرانیان است.

آیا مسؤولان سیاسی در کشورهای عربی این شجاعت را دارند که به دور از تعصبات قومی و سیاسی با این گونه مسائل برخورد منطقی و علمی کنند و توصیه متخصصان جغرافیایی خود را که مبنای علمی دارد بپذیرند؟

در جهان عرب جدا از بعضی سیاستمداران مغرض، افراد زیادی هستند که طی مقاله و نوشته این گونه برخورد‌های سیاسی و غیرعقلانی با نام‌های جغرافیایی را محکوم می‌کنند. ما قبلاً طی یک مقاله (روشنفکران عرب و دفاع از اصالت نام خلیج فارس) نظر بیست نفر از نویسندگان معاصر عرب را در این خصوص منتشر کرده‌ایم. فهرست این گونه افراد بسیار زیاد است.

حتی معمر قذافی رهبر لیبی در اجلاس سران اتحادیه عرب در اواخر ماه مارس ۲۰۰۸ گفته بود که: "اکثر بومیان شیخ‌نشین خلیج فارس ریشه ایرانی دارند و ایرانی‌ها نیروی مؤثر و کارآمد منطقه بوده‌اند. خلیج را اگر خلیج هندی، پاکستانی، آمریکایی، ایرانی یا فارسی بگویند که البته نام درست تاریخی همان خلیج فارس است مصداقیت دارد، اما برای خلیج عربی هیچ مصداقی نمی‌بینم."

شیخ حمد بن جاسم نخست وزیر و وزیر امور خارجه قطر پس از سخنرانی رئیس جمهوری اسلامی ایران در اجلاس سران شورای همکاری خلیج فارس طی مصاحبه خبری (۱۳۸۶/۹/۱۳) در پاسخ به سؤال اعتراض‌آمیز یک خبرنگار در مورد نام خلیج فارس گفت: ایرانی‌ها و رئیس‌جمهور ایران خلیج فارس به کار می‌برند و برای آن ادله و مستندات دارند ولی ما خلیج عربی به کار می‌بریم و برایش مستندات نداریم.

روشن است که دفاع ایرانیان از نام کهن خلیج فارس به دلیل آن است که این نام در طول نزدیک به سه هزار سال کاربرد مستمر در همه زبان‌ها و ثبت آنها در کتب و نقشه‌های کهن، به یک میراث فرهنگی تبدیل شده است نام خلیج فارس برای اقوام حوزه تمدن فلات ایران مانند "میراث نوروز" است و افتخار آن در انحصار قوم خاصی نیست و تغییر آن به دلیل نظر برخی سیاستمداران عرب و

خلاف کنوانسیون‌های فرهنگی، میراث فرهنگی و مغایر با اصول یونسکو است.

### پاسخ به ادعاهای عربی

ادعاهای پنج‌گانه فوق برای تغییر یک نام رایج بین‌المللی هیچ سند محکم و محکمه‌پسندی را به همراه ندارد و روشن است در مقابل صدها سند مشهور و محکم در اثبات اصالت نام خلیج فارس و قدمت دریانوردی ایرانیان، ادعاهای فوق آنقدر مضحک و سخیف است که برای رد آن نیاز به مناقشه نیست. در کتاب "خلیج فارس نامی کهن و میراث فرهنگی بشریت" مفصل به این شبهه‌ها پاسخ داده شده و کذب بودن آنها بر ملا شده است. سخیف بودن ادعای تعصب فارسی را قبلاً شرح داده شد و موارد دیگر از جمله استناد به پلینی و نیبور کاملاً مغرضانه و به دور از حقیقت است.

به طور نمونه پلینی در کتاب خود در دو مبحث جداگانه از دو خلیج یکی با نام خلیج عرب و دیگری خلیج فارس نام برده که خلیج عرب همان خلیج عرب (عقبه) است که به دریای سرخ نیز اطلاق می‌شده است اما او در مورد خلیج فارس نیز شرح مفصلی دارد و در دو جا از جمله (ص ۱۰۸) چنین می‌گوید:

The one to the east is called the Persian Gulf..., دریای به سوی شرق، خلیج فارس نام دارد و بنا بر نوشته اراتوس ۲۵۰۰ مایل است.

– کارستن نیبور در سال ۱۷۶۲ دقیق‌ترین نقشه تا آن زمان را با نام "نقشه خلیج فارس" ترسیم کرده و حتی جزایر سه‌گانه را برای اولین بار در نقشه‌های جغرافیایی ترسیم و به نام ایران ثبت کرده است و در کتاب او ادعایی را که عرب‌ها مطرح کردند نیافتیم. در تمام نقشه‌های عربی و اسلامی حتی یک نقشه وجود ندارد که برای دریای جنوب ایران نام خلیج عربی را بکار برده باشد.

– رودریک اوون نماینده دولت استعماری بریتانیا و عامل ام. ای ۶ در خلیج فارس (مستقر در بحرین بوده) و کتابش را بعد از ملی شدن نفت و قطع روابط ایران و انگلیس نوشته، پیشنهاد او فاقد ارزش علمی و جغرافیایی است، ضمن اینکه سخن او دو بند دارد بند اول آن (اقرار به وجود نام خلیج فارس در همه نقشه‌ها) اثبات حقانیت نام تاریخی خلیج فارس است و بند دوم تعارفات انگلیسی است.

همان‌طور که روزنامه عربی التجدید نوشته است "اصطلاح خلیج فارس و بحر فارس یک میراث عربی اسلامی و حتی جهانی است" در حالی که خلیج عربی دقیقاً پس از شکل‌گیری کیان صهیونیستی در نوشته‌ها ظاهر شده است.

پاسخ ادعاهای فوق را بسیاری از روشنفکران عرب معاصر داده‌اند. به طور نمونه در مورد عظمت دریانوردی ایرانیان اعتراف نویسندگان بزرگ غربی و عربی را داریم "فلیپ حتی" و قدری قلعه‌چی که خود در مقدمه کتاب خلیج عربی منکر عظمت دریانوردی ایرانیان شده‌اند در یک تناقض آشکار در فصل دوم صفحه ۷۱ نیز در کتاب خلیج عربی خود اذعان می‌کنند که ایرانیان پیشگام دریانوردی تجاری در این دریا بوده‌اند. وی حتی روایاتی را نقل می‌کند که خلیفه اول و دوم مسافرت از طریق دریا را مخاطره آمیز و نهی کرده است و سفر با شتر را مناسب‌ترین و امن‌ترین سفرها دانسته است. چنانچه در عمل نیز می‌بینیم که سفرها و مهاجرت عرب‌ها از طریق بیابان‌ها بوده است نه از طریق دریا.

مجدی عمر معاون اول سابق شورای دفاع ملی مصر در مجله الاهرام (شماره ۲۱۹-۲۱/۶/۲۰۰۱) می‌نویسد: نسل من به خاطر دارد که ما در ایام مدرسه در همه کتب و نقشه‌ها با لفظ خلیج فارس سر و کار داشتیم

ولی بعد از مدتی به آن خلیج عربی اطلاق کردیم. این غیر منطقی، ردالت و پستی است. این که چند کشور عربی در اطراف آن باشند دلیل نمی‌شود که نامی تاریخی را تغییر دهیم، اگر عرب‌ها می‌خواهند گفتگوی عربی - ایرانی تحقق پذیرد اول باید این خطاها را جبران کنند.

در کتاب تطویر العلاقات المصریه الایرانیه منتشر شده در سال ۲۰۰۲ قاهره در ص ۱۹۰ به نقل از دکتر عبدالمنعم سعید رئیس مرکز تحقیقات سیاسی و استراتژیک الاهرام و نویسنده شرق الاوسط چنین آمده است: به صراحت تمام بگویم هیچ مدرک و سند تاریخی ندیدم که نام خلیج فارس را بتوان مستند بر آن تغییر داد. در تمام نقشه‌ها و کتب تاریخی و حتی بعضی از سخنرانی‌های ناصر و رهبران انقلاب مصر از خلیج فارس صحبت شده است.

پرفسور عبدالهادی التازی نویسنده صدها کتاب و مقاله و عضو چندین نهاد بین‌المللی و بین‌العربی اظهار می‌دارد: شیخ زاید رهبر امارات عربی در مناسبتی از من گلیه کرد و گفت شنیده‌ام هنوز نام خلیج فارس به کار می‌بری؟ گفتم عالیجناب من متخصص تاریخ و جغرافیا هستم و به امانتداری باور دارم با سیاسی شدن نام‌ها موافق نیستم تلاش برای تغییر نام خلیج فارس سودی نخواهد داشت زیرا جهان غیر عرب در نهایت ممکن است فقط به گفتن کلمه خلیج اکتفا کنند اما صفت عربی را به آن نخواهند داد. در رد ادعای اینکه جمعیت عرب‌های ساکن در این دریا بیشتر از فارس‌ها هستند. کافی است نگاهی به مقاله‌های اعتراف‌آمیز خود عرب‌ها ببندازیم.<sup>۱</sup>

ماهنامه المجله در شماره ۲۰۰۶/۱۰/۴ طی مقاله‌ای با عنوان بمب در حال انفجار، مفصل به موضوع از بین

رفتن جمعیت عربی و هویت عربی در خلیج فارس پرداخته است. تلویزیون الجزیره در برنامه مشهور "رو در رو" نیز با پرداختن به این موضوع از بحران‌های اجتماعی، هویتی مظاهر فساد و فحشا و جنایت در این امیرنشین‌ها اعلام کرده که زبان و هویت عربی به کلی از میان رفته است و پروفیسور فهمی هویدی نویسنده مشهور عرب در شرق الاوسط (۲۰۰۶/۱۲/۱۳) که بسیار مورد توجه رسانه‌های عربی قرار گرفت نسبت به این بحران هویتی و جمعیتی در کشورهای عربی خلیج فارس هشدار داده است.

#### اسناد حقوقی

علاوه بر اینکه دبیرخانه سازمان ملل در شش دوره مختلف و یونسکو نیز در دو نوبت بر کاربرد یگانه نام خلیج فارس در تمام سازمان‌های بین‌المللی تأکید نموده است و سازمان (کنفرانس) یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی سازمان ملل کمیته NGEEN نیز قطعنامه‌های متعددی دارد که تغییر نام‌های جغرافیایی (دریایی مشترک) به رسمیت شناخته شده را محکوم می‌کند. وجود یک یا چند نقشه و یا کتاب دلیلی بر تغییر نام نیست چنانچه در ۲۵ نقشه قرون گذشته به جای دریای "بحر عرب" نام دریای پارسی PERSIAN SEA به کار رفته ولی ایران هرگز این نقشه‌ها را بهانه‌ای برای تغییر نام دریای عرب قرار نداده یا برای دریای خزر بیشتر از ۴۰ نام مختلف در کتب و نقشه‌های متعددی از ۲۰۰۰ سال قبل بکار رفته و یا اقیانوس هند ده‌ها کشور و ملیت غیر هندی وجود دارند این دلیل علمی و پذیرفته‌ای نیست که به استناد آن نامی پذیرفته بین‌المللی در طول تاریخ را تغییر دهیم.

به طور خلاصه اینکه دفاع ایرانیان از حفظ نام کهن و تاریخی و بین‌المللی خلیج فارس نه تنها نژادپرستی نیست بلکه مطابق با کنوانسیون‌های متعدد بین‌المللی (میثاقین ۱۹۶۶) و مطابق اصول و کنوانسیون‌های متعدد

۱. اطلاع بیشتر همشهری دیپلماتیک اسفند ۱۳۸۳، قدری انصاف اعتراف روشنفکران عرب به اصالت نام کهن خلیج فارس.

مربوط به یونسکو درخصوص حفظ فرهنگ و هویت بومی است.

### راهکار

- وزارت امور خارجه و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به سازمان‌های غیردولتی علاقمند در جهت فرهنگ‌سازی و حراست از نام کهن خلیج فارس کمک کنند.

- رادیو و تلویزیون، خبرگزاری جمهوری اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان نقشه برداری و سازمان جغرافیایی کشور در قراردادهای دوجانبه همکاری یا همکاری فرهنگی و مطبوعاتی که با سایر کشورها امضا می‌کنند بندی را اضافه کنند مبنی بر اینکه "طرفین بر کاربرد صحیح نام‌های جغرافیایی بین‌المللی در مکاتبات خود تأکید نمودند."

- ساختمان کنفرانس سران کشورهای اسلامی به ساختمان خلیج فارس نام‌گذاری شود.

- برای اینکه سمینارهای بین‌المللی درخصوص نام خلیج فارس بیشتر برد خارجی داشته باشد در خارج از ایران و توسط مؤسسات مشهور برگزار شود.

- در کنفرانس یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی سازمان ملل قطعنامه‌ای در دفاع از نام خلیج فارس تصویب شود زیرا در خصوص نام‌های جغرافیایی قطعنامه‌های این سازمان الزام‌آور است.

محمد عجم

اداره اول خاورمیانه و شمال آفریقا

وزارت امور خارجه

برای اطلاع بیشتر رجوع شود به:

- الخلیج الفارسی التراث العربی الاسلامی ، محمد عجم مکتوب بلاگ مورخ ۲۴ نوامبر ۲۰۰۵.
- خلیج فارس نامی کهن تر از تاریخ ، محمد عجم چاپ مجله گسترش صنعت شهریور ۸۳

Conspiracy to change a heritage name "The Persian Gulf  
by M.Ajam 25/12/2001,  
www.parssea.persianblog.ir  
[http://www.iranchamber.com/geography/articles/names\\_of\\_caspian\\_sea.php](http://www.iranchamber.com/geography/articles/names_of_caspian_sea.php)  
<http://magiran.com/npview.asp?ID=1092570>